

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تعادل شبکه شهری در ایران

پروانه زیویار

استادیار جغرافیا-دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری

امین فرجی ملانی ۱

پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری
دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۷

چکیده

برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان اقدامی برای رفع عدم تعادل در یک فضای جغرافیایی صورت گرفته و محصول آن ایجاد سازمانی متوازن از فعالیت و جمعیت است. در این مقاله ابتدا به بررسی نخست شهری و شبکه شهری پرداخته شده و سپس به طرح اثرات برنامه‌ریزی‌های قبل و بعد از انقلاب در ساماندهی جمعیت و نقش آن در شکل‌دهی به شبکه شهری ایران پرداخته شده است. روش این مقاله توصیفی-تحلیلی می‌باشد که در آن ابتدا بر اساس مطالعات اسنادی به گردآوری مهم‌ترین منابع در ارتباط با شبکه شهری و نیز برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران پرداخته شده است. سپس بر اساس اطلاعات به دست آمده به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است و نتایج در قالب تحلیل اطلاعات ارائه شده است. نتایج تحقیق حاکی از تأثیرات عمیق برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تعادل جمعیتی و توازن در شبکه شهری ایران دارد.

کلید واژه‌ها: شبکه شهری، نخست شهری، جمعیت، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ایران.

طرح مساله

بر مبنای آمارگیری سال ۱۳۸۵ در ایران کلاً، ۹۹۴ شهر وجود دارد که جمعاً نزدیک به ۴۸۲۵۹۹۶۴، میلیون یا به عبارتی ۶۸ درصد جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است. در این میان نزدیک به ۷۷ شهر بیش از یکصد هزار نفر جمعیت دارند. ۱۵/۹ این جمعیت در منطقه تهران، ۹ درصد در ۶ شهر بیش از نیم میلیون نفر و ۴۸ درصد دیگر جمعیت در شهرهای بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر هستند، (جدول شماره ۳-۳) ۲۷ درصد نیز در شهرهای زیر ۲۵۰ هزار نفری می‌باشند. مقایسه آمارها از نظر تعداد جمعیت شهرنشین نشان می‌دهد که در دهه ۵۵-۱۳۴۵، جمعیت شهری ایران به ۱/۶۲ و در دهه ۶۵-۱۳۵۵ به ۱/۶۹، درصد رسیده است. این ارقام نشان‌دهنده روند روبه‌رشد شهرنشینی و شهرگرایی در دهه‌های اخیر در کشورمان می‌باشد. در این دوره‌های سرشماری تعداد شهرهای بالای ۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۴۵، ۵۱ شهر در سال ۱۳۵۰، ۷۴ شهر و در سال ۱۳۶۵، ۱۳۱ شهر بوده است. بنابراین تعداد شهرهای مذکور در دهه ۵۵-۱۳۴۵ معادل ۱/۴ برابر و در دهه ۶۵-۱۳۵۵ به میزان ۱/۷ برابر افزایش یافته‌اند این امر بیانگر رشد و توسعه جمعیتی در سیستم مذکور بوده است (بهار، ۲۴-۱۳۷۱، ۲۳). در سال ۱۳۶۵ طبق تعریف تقسیمات کشوری، یعنی نقاطی که شهرداری دارند، ۴۹۶ شهر بوده است (زنجانی، ۱۳۶۹، ۱۱). در جدول شماره ۱ طبقه‌بندی آمار شهرهای ایران در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ در قالب جمعیت ارائه شده است.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی آمار شهرهای ایران در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

سطح شهرها	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
یک میلیون و بیشتر	۱	۰/۵	۱	۰/۳۶	۱	۰/۲۶	۲	۰/۴	۴	۰/۶۵	۶	۰/۵۸
۱۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰	۲	۰	۰	۰	۳	۰/۵۳	۶	۱/۲	۴	۰/۶۵	۶	۰/۵۸
۵۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰	۳	۱	۵	۱/۸	۳	۱	۸	۱/۶	۱۴	۲/۲۸	۱۳	۱/۱۷
۲۵۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	۵	۲/۵	۸	۲/۴۹	۱۴	۳/۷	۲۵	۵	۳۷	۶/۰۲	۴۸	۴/۶۸
۱۰۰۰۰-۵۰۰۰۰	۸	۴	۱۵	۲/۲	۲۲	۵/۸	۴۶	۹/۲	۵۸	۹/۴۴	۷۰	۴/۶
۵۰۰۰-۲۵۰۰۰	۲۲	۱۱	۲۹	۳/۳	۴۳	۱۱/۵	۶۷	۱۳/۵	۹۴	۱۵/۳	۹۷	۹/۵
۲۵۰۰-۱۰۰۰۰	۵۶	۲۸	۷۳	۵/۵	۱۱۱	۲۹/۷	۱۴۵	۲۹/۲	۱۷۵	۲۸/۵	۲۰۲	۲۱/۸
کمتر از ۱۰۰۰۰	۱۰۵	۵۲/۷۶	۱۴۱	۵/۱	۱۷۶	۴۵/۵	۱۸۸	۳۷/۹	۲۲۸	۳۸/۷	۵۵۲	۵۴/۵
جمع کل	۱۹۹	۱۰۰	۲۷۲	۱۰۰	۳۷۳	۱۰۰	۴۹۶	۱۰۰	۶۱۴	۱۰۰	۹۹۴	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵-۱۳۸۵ و یافته‌های تحقیق

در این میان آنچه که بیش از هر موضوعی مورد توجه پژوهشگران جغرافیا می‌باشد، روند تحولات شبکه شهری در ایران است. بر اساس مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته در منابع مختلف (زبردست، ۱۳۸۶؛ یزدانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ لیوارجانی و شیخ اعظمی، ۱۳۸۸؛ اکبری و دیگران، ۱۳۸۵، احمدی و چهاردولی، ۱۳۷۶؛ پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۶؛ عظیمی، ۱۳۸۲؛ عظیمی، ۱۳۸۱؛ اعتماد، ۱۳۷۳؛ ایزدی، ۱۳۷۲؛ نظریان، ۱۳۷۳ و . . .) می‌توان گفت الگوی شبکه شهری در ایران یک الگوی بزرگ سر و نامتوازن است. لذا با توجه به آنچه که گفته شده اسن سوال مطرح است که روند شبکه شهری در ایران به چه شکلی می‌باشد؟ و اینکه در طول چند دهه روند تعادلی را طی نموده و یا عدم تعادل در این شبکه تشدید شده است؟ اگر روند تعادلی در این شبکه طی شده است، نقش برنامه‌ریزی منطقه‌ای و

طرح‌های توسعه در این تعادل چیست؟ در عین حال این سوال نیز مطرح است که در واقع روند شبکه شهری در سطح مناطق دارای چه الگویی است؟ آیا در سطح مناطق (منظور استان) روند مشابه با روند طی شده در سطح ملی مشاهده می‌شود؟

روش تحقیق

روش مقاله توصیفی-تحلیلی است و این مقاله از انواع مطالعات بنیادین می‌باشد. رویکرد تحقیق اکتشافی بوده و هدف اصلی مقاله نیز بررسی و مطالعه شبکه شهری ایران و تحلیل اثرات برنامه‌ریزی منطقه‌ای در آن می‌باشد. در این راستا از تکنیک مطالعه کتابخانه‌ای جهت گردآوری داده‌های تحقیق استفاده شده و از داده‌های ثانویه (داده‌های مرکز آمار) جهت تحلیل و بررسی شبکه شهری استفاده شده است.

یافته‌ها

بخش نخست:

۱- شبکه شهری ایران

بررسی مقدماتی شهرهای ایران را با توجه به جدول شماره (۲)، در جهت رشد جمعیتی شهرهای بزرگ و پرتراکم را نشان می‌دهد. جود منطقه تهران به عنوان یک شهر برتر و نخستین شهر در طول چند دوره سرشماری و افزایش این برتری از گذشته تا به حال را می‌توان بررسی نمود. تحولات شهرها و جمعیت شهری در طول زمان چشم‌گیر است. افزایش سهم جمعیت شهری در جمعیت کل کشور، افزایش تعداد و جمعیت شهرها به خصوص در سطح بالای جمعیت شهری مشهود می‌باشد. بررسی رابطه اندازه و مرتبه ایران در چند دوره سرشماری حقایق را ملموس‌تر می‌کند.

جدول شماره ۲: طبقه‌بندی تعداد شهرها بر اساس جمعیت

ردیف	دوره‌های سرشماری	تعداد کل جمعیت شهری	درصد جمعیت شهری به کل جمعیت	تعداد شهرها	کلان شهر پیش از ۱۰۰۰۰۰	شهر بزرگ ۱۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	شهر متوسط (تثرویل ناحیه) ۱۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	شهرهای میانه			روستا شهر کمتر از ۱۰۰۰۰	خالی از سکنه	
								۱۰۰۰۰-۱۰۰۰۰	۱۰۰۰-۱۰۰۰۰	۱۰۰-۱۰۰۰			
۱	۱۳۳۵	۵۹۹۷۱۶۱	۳۱/۴	۱۹۹	۱	۰	۲	۵	۸	۲۲	۵۶	۱۰۵	۰
۲	۱۳۴۵	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۲۷۲	۱	۰	۵	۸	۱۴	۲۹	۷۳	۱۴۱	۰
۳	۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷	۳۷۳	۱	۳	۳	۱۴	۱۴	۴۳	۱۱۱	۱۷۶	۰
۴	۱۳۶۵	۲۶۹۵۲۸۴	۵۴/۳	۴۹۶	۲	۶	۸	۲۵	۲۵	۶۷	۱۴۵	۱۸۸	۹
۵	۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۱/۳	۶۱۴	۴	۴	۱۴	۳۷	۳۷	۳۷	۱۷۵	۲۲۸	۰
۶	۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۶۸/۴	۹۹۴	۶	۶	۱۳	۴۸	۴۸	۴۸	۲۰۲	۵۵۲	۰

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۳۵-۱۳۸۵ و یافته‌های تحقیق

به استناد سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵، توزیع ۹۹۴ نقطه شهری در ایران بنا به تقسیمات کشوری به شرح زیر است: ۶ شهر یک میلیون به بالا، ۶ شهر بین یک میلیون تا پانصد هزار نفری، ۱۳ شهر با جمعیتی

بین ۵۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰، ۵۳ شهر بین ۲۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰، ۶۶ شهر بین ۱۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰، ۹۸ شهر با جمعیتی بین ۵۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰۰، ۲۲۴ شهر بین ۲۵۰۰۰-۱۰۰۰۰۰ نفر وجود دارد. حدود ۵۵۹ شهر با جمعیت کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر در ایران وجود دارد.

نکته شایان توجه این که در دوره‌های قبل از سال ۱۳۳۵، نسبت به نقاط جدید (روستاهایی که به آستانه جمعیت شهری رسیده‌اند و نوشهرها) به کل شهرهای هر دوره از ۳۴ درصد بیشتر نبود که در دهه اخیر این نسبت به ۴۲ درصد افزایش یافته است (توفیق، ۱۳۷۲، ۴۳).

در شبکه شهری ایران مسئله کلان شهری و تمرکز متروپل به وضوح به چشم می‌خورد، به نحوی که وجود متروپل تهران از نظر فضایی جمعیتی، عملکردی و غیره همه شبکه را تحت تأثیر خود قرار داده است. در ایران هیچ گونه رقابتی در این زمینه نسبت به تهران دیده نمی‌شود. این امر در دو دهه گذشته همواره تشدید شده است، چنان‌که تهران با حدود ۵ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۵۵ تقریباً ۷ برابر دومین شهر ایران (اصفهان) و ۱۰ درصد کل جمعیت کشور و ۱/۴ جمعیت شهری، جمعیت داشته است.

همچنین در نقاطی که یک شهر بسیار بزرگ به وجود آمده است (مانند اصفهان، مشهد و تبریز) که خود حاصل شرایط تاریخی اقتصادی اجتماعی و عوامل جغرافیایی بوده است، شهر بزرگ دیگری به چشم نمی‌خورد. این کلان‌شهر همه فعالیت‌ها و رشد عمده منطقه را در زمینه‌های مختلف به خود اختصاص داده است.

در قسمت شمالی کشور خواه به دلایل تاریخی، اقلیمی و یا نزدیک بودن به متروپل و در دسترس بودن تهران با همه امکاناتش برای مردم این منطقه شهری مانند مشهد که به هر حال نقش یک مرکز منطقه دور از دسترس تهران را به خوبی ایفا کند، دور است.

در جنوب شرقی به سبب مسائل جغرافیایی و توسعه نیافتگی منطقه موجب عدم جذب جمعیت مهاجر از نقاط و برون کوچکی زیاد می‌باشد که فاقد شهر بسیار بزرگ است.

باتوجه به وضع موجود شبکه شهری معاصر از لحاظ فضایی، جمعیتی و ارتباطات متقابل بین شهری و بین مناطق مقایسه، شبکه شهری دوران قبل سرمایه‌داری ایران می‌توان در آن گسیختگی چشمگیری از لحاظ اندازه شهرها، ارتباطات و غیره را دید که حاصل تحولاتی در زمینه عمل‌کردها است (اعتماد، ۱۲۴-۱۲۱، ۱۳۸۳).

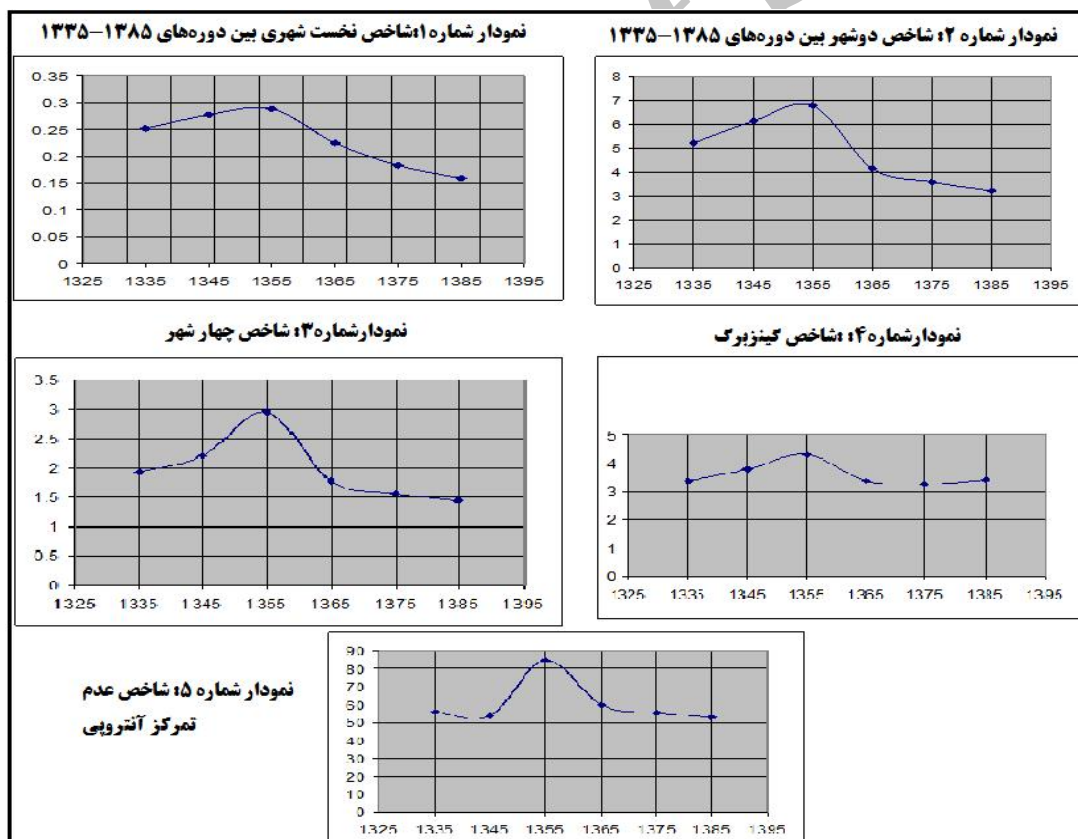
شش برابر شدن جمعیت شهری یک کشور در طی ۴۰ سال و دوبرابر شدن متوسط جمعیت شهرها و سه برابر شدن تعداد شهرها، همگی حاکی از تغییر و تحول سنگین و همه‌جانبه در ترکیب جمعیت و موقعیت و میزان استقرار آن است. چنین تحول و دگرگونی جمعیت در سطح ملی باعث مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی امنیتی است (کامروا، ۱۳۷۹: ۷۸).

۲- بررسی نخست شهری در ایران

مطالعات نشان می‌دهند که تا سال ۱۲۷۹، خورشیدی در ایران نخست شهری وجود نداشته است. در سال ۱۲۴۷، خورشیدی جمعیت تبریز که در آن زمان بزرگ‌ترین شهر ایران بود، حدود ۱۱ هزار نفر جمعیت تهران، که پایتخت بود حدود ۸۵ هزار نفر، مشهد ۷۰ هزار نفر، اصفهان ۶۰ هزار نفری، شهرهای کرمان، کرمانشاه، همدان و ارومیه هر یک حدود ۳۰ هزار نفر بود. در سال ۱۲۹۷، خورشیدی هنوز جمعیت شهر تبریز تقریباً مساوی شهر تهران هر یک ۲۰۰ هزار

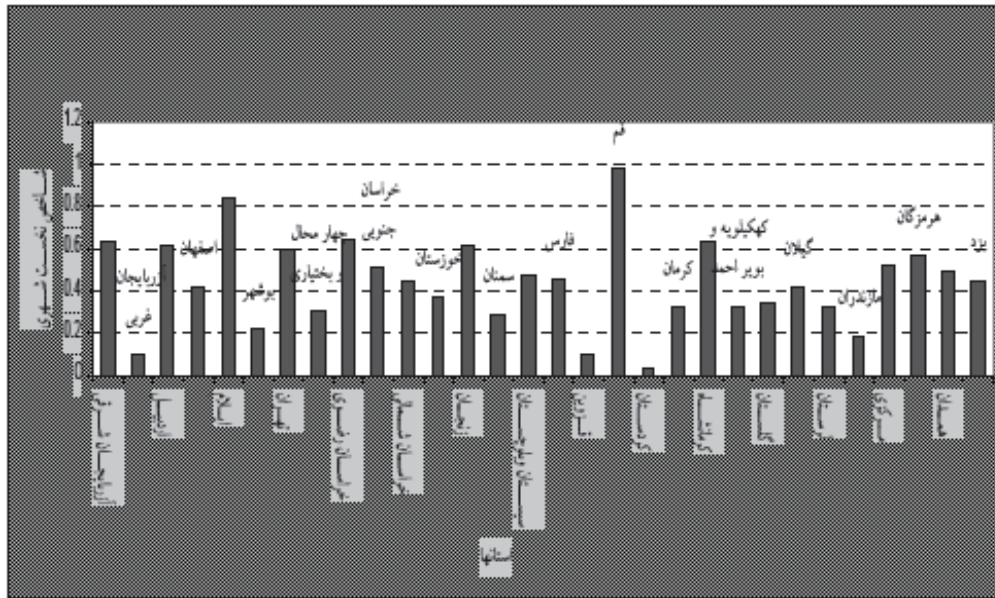
نفر بود. شهر اصفهان ۱۰ هزار نفر و شهرهای مشهد و یزد هر یک ۷۵ هزار جمعیت داشتند. نسبت شهر دوم به اول در سال ۱۲۴۷ خورشیدی حدوداً به ۱/۳، در سال ۱۲۷۹ خورشیدی حدوداً به ۱ بود (توفیق، ۳-۱۴ تا ۱۴، ۱۳۷۵).

از اواخر دوره قاجاریه و به دنبال خواستار حضور هرچه بیشتر دولت مرکزی در ایالت و ولایات، یعنی تمرکز قدرت توسط برخی از اصلاح طلبان اجتماعی آن زمان و در نتیجه اتخاذ تدابیر تمرکزگرایانه، توزیع جمعیت شهری کشور به سوی تمرکز حرکت می‌کند، به طوری که در سال ۱۳۱۸ جمعیت شهر تهران (۵۴۰ هزار نفر) به طور محسوس از جمعیت دومین شهر کشور، یعنی تبریز (۲۱۴ هزار نفر) بیشتر می‌شود در جدول شماره (۲) نخست شهر را، در دوره‌های متفاوت سرشماری می‌توانیم بررسی نماییم. حال می‌توان بر اساس روش‌های سنجش نخست شهری به این سوال که شبکه شهری ایران در طول دوره‌های سرشماری مختلف چه روندی را طی کرده است، پاسخ گفت. بر اساس نمودارهای ارائه شده، نتایج تمامی روش‌های حاکی از روند تعدلی شبکه شهری بعد از دهه ۱۳۵۰ است. در سال‌های ۱۳۱۸ نسبت جمعیت شهر اول به شهر دوم (شاخص شهر) به ۲/۵ می‌رسد و این بیانگر ظهور پدیده‌الگوی نخست شهری در نظام شهری ایران است. که تا به امروز نیز چنین مساله‌ای در شبکه شهری ایران با شدت کمتر مشاهده می‌شود.



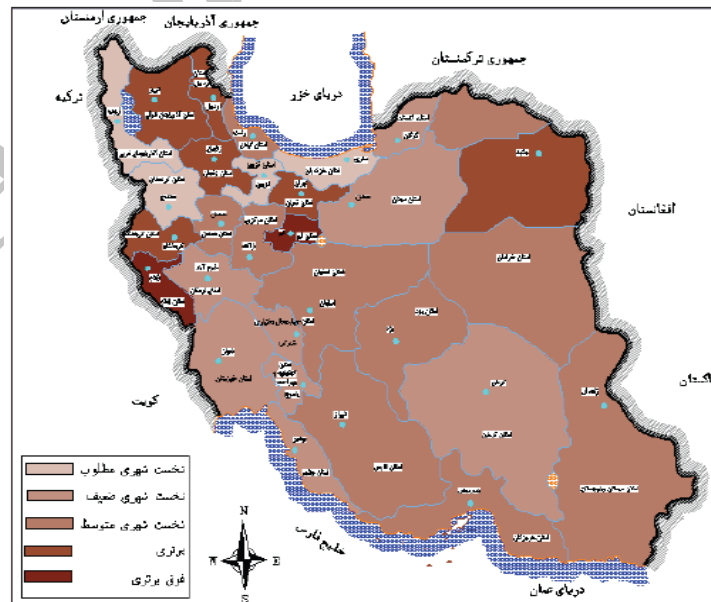
۳- نخست شهری در سطح منطقه‌ای (۱۳۸۵)

در این فرمول نسبت جمعیت بزرگ‌ترین شهر با کل جمعیت منطقه در نظر گرفته می‌شود بر اساس آنچه که در نمودار شماره ۶ و نقشه شماره ۱ ارائه شده‌است می‌توان گفت در سال ۱۳۸۵ استان قم بیشترین و کردستان کم‌ترین میزان نخست شهری را دارد. در عین حال نمودار نشان می‌دهد که تهران نسبت کمتری از نخست شهری را نشان می‌دهد. آنچه که در این رابطه می‌توان گفت این است که روند شبکه شهری در ایران در سطح کلان ملی روندی متعادل را طی می‌نماید آن‌چنان که این مساله را در کاهش سهم تهران می‌توان مشاهده کرد.



نمودار شماره ۶: میزان نوسانات نخست شهری در ایران بر اساس شاخص نخست شهرداری سال ۱۳۸۵

منبع: لیوارجانی و شیخ اعظمی، ۱۳۸۸

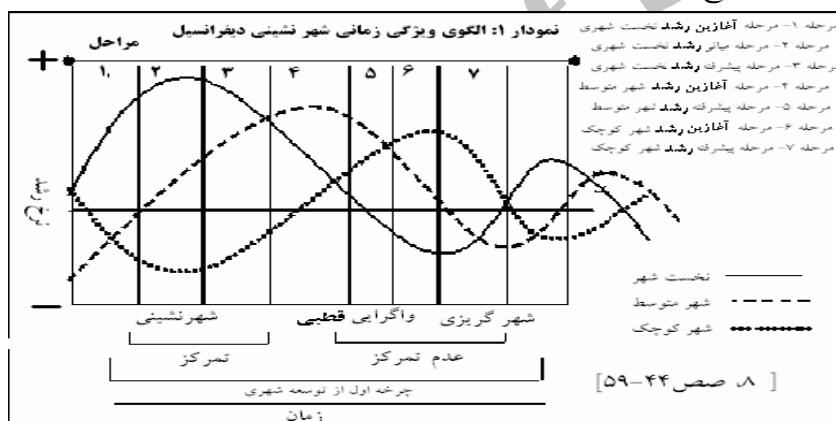


نقشه شماره ۱: توزیع نظام شهری در ایران بر اساس شاخص نخست شهری

منبع: لیوارجانی و شیخ اعظمی، ۱۳۸۸

اما در سطح منطقه‌ای بر اساس مدل شهرنشینی دیفرانسیل (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۶) شبکه شهری ایران وارد مرحله جدیدی تحت عنوان واگرایی قطبی شده‌است یعنی فرایند تمرکز از سطح ملی به سطوح منطقه‌ای کشیده شده‌است. در واقع بر اساس مدل شهرنشینی دیفرانسیل شبکه شهری ایران شاهد رشد شهرهای متوسط است که در سطح منطقه به عنوان قطب عمل می‌نمایند. که از این میان می‌توان به شهرهایی چون اراک، قزوین و زنجان در مرکز کشور، همدان و ارومیه در غرب، رشت و اردبیل در شمال و کرمان و زاهدان در جنوب و جنوب شرق کشور، اشاره کرد.

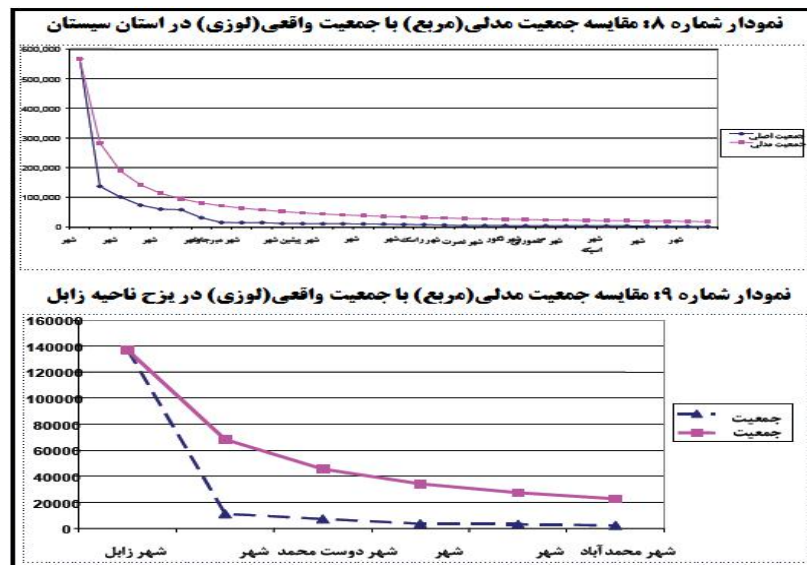
بر اساس نمودار شماره ۷ می‌توان گفت در مراحل ۳ گانه شهرنشینی دیفرانسیل، شبکه شهری کشور در حال تجربه کردن عدم تمرکز و گرایش به سوی تعادل فضایی است. در عین حال در یزح منطقه‌ای یعنی در سطح استان‌ها شاهد بروز مرحله نخست یعنی شهرنشینی و تمرکزگرایی می‌باشیم. بنابراین شبکه شهری ایران در دو سطح کلان ملی روندی تعادلی را طی می‌نماید ولی در سطح خرد (یعنی استانی) روندی تمرکزگرایانه را نشان می‌دهد. بر اساس الگوی تئوریک شهرنشینی دیفرانسیل می‌توان گفت چنین فرایندی (یعنی گذر از شهرنشینی به واگرایی قطبی و شهرگرایی) در آینده در سطح منطقه نیز تکرار خواهد شد.



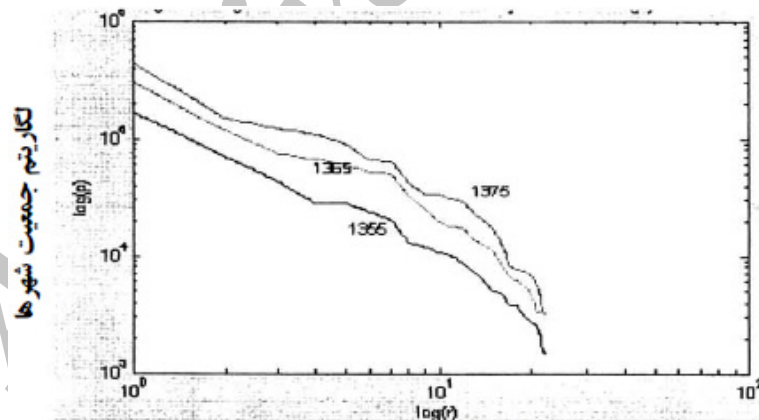
نمودار شماره ۷: مراحل شهرنشینی دیفرانسیل

منبع: Geyer, 1999

باید به این نکته توجه نمود که روند تحولات شبکه شهری در استان‌های (مناطق) مختلف تا حدودی روند متفاوتی را نشان می‌دهد به عنوان مثال در سیستان و بلوچستان می‌توان به وجود رشد انگلی نخست شهری در سطح استان (زاهدان نسبت به سایر نقاط) و ناحیه (زابل در مقایسه با سایر نواحی) هرچند با شدت کمتر از سطح ملی اشاره کرد (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۰).



بر اساس مطالعات انجام شده در منطقه آذربایجان غربی، می‌توان رشد قابل توجه شهرها در سال‌های ۶۵، ۵۵ و ۷۵ را مشاهده نمود. که در این میان رشد شهر ارومیه به علت زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منجر به برهم خوردن توزیع پارتو (رتبه-اندازه) شده است. اما در عین حال به علت وجود چند شهر متوسط مانند خوی، میاندوآب، بوکان و مهاباد تا حدودی دارای نظام شهری متعادلی است (زیاری و موسوی، ۱۳۸۴). مطالعات انجام شده روند تعادلی شبکه شهری در این محدوده را از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ نشان می‌دهد. عدم تعادل در این شبکه از سال ۱۳۶۵ به بعد روند تشدید شده را طی نموده است (صدر موسوی، طالب‌زاده، ۱۳۸۸).

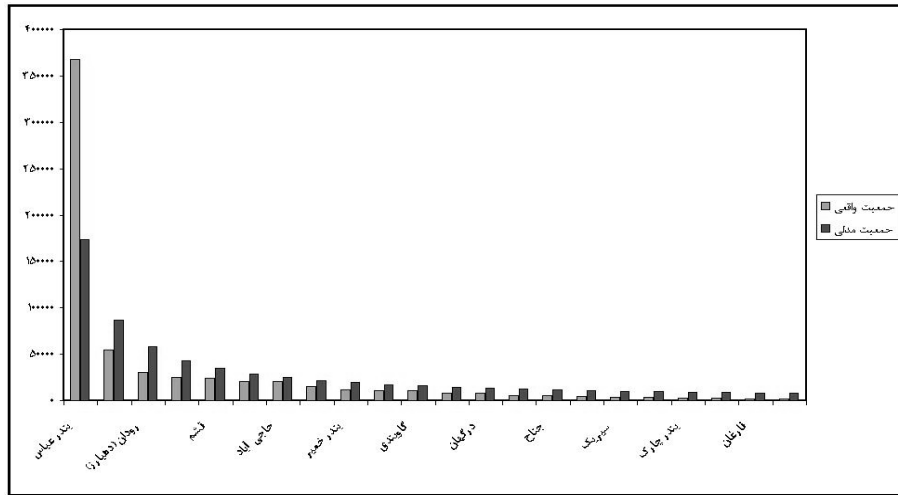


تکارتیم تعداد شهرها

نمودار شماره ۱۰: توزیع لگاریتمی مرتبه‌اندازه واقعی شهرهای آذربایجان غربی

منبع: زیاری و موسوی، ۱۳۸۴

در مطالعه‌ی صورت گرفته از شبکه شهری در استان هرمزگان (امیدوار و همکاران، ۱۳۸۸)، نیز می‌توان به عدم تعادل در شبکه شهری این منطقه اشاره کرد. چنان‌که در در نمودار شماره ۱۱ مشاهده می‌شود بندرعباس خارج از نظام سلسله مراتبی قرار گرفته است، حال آن‌که در میان سایر شهرهای استان تعادل نسبی برقرار است. لذا می‌توان گفت این منطقه در مراحل نخست توسعه شبکه شهری قرار داشته و ویژگی بارز آن رشد شهرهای بزرگ است.

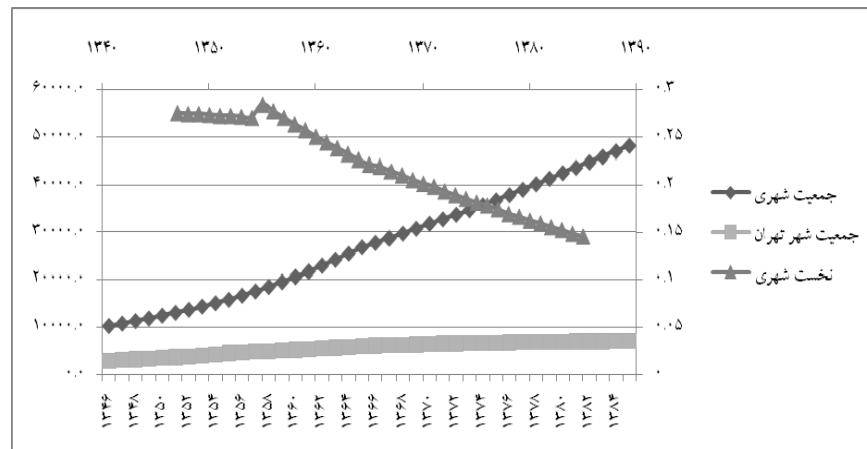


نمودار شماره ۱۱: جمعیت واقعی و جمعیت مدلی شهرهای استان هرمزگان در سال ۱۳۸۵

در مطالعه‌ای که در منطقه کرمان توسط ضرابی و درکی (۱۳۸۹) صورت گرفته، نتایج حاکی از روند صعودی نخست شهری در این منطقه می‌باشد. این منطقه در بازه زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ به ترتیب در طول چهار دوره سرشماری دارای نخست شهری برابر ۰.۵۶، ۰.۵۵، ۰.۵۷ و ۰.۵۸ بوده است. در این منطقه در طول ۴ دهه تعداد شهرهای از ۱۳ مورد در سال ۱۳۵۵ به ۵۷ مورد در سال ۱۳۸۵ یعنی نزدیک به ۴.۵ برابر افزایش یافته است. در عین حال نسبت جمعیت شهر اول این منطقه (کرمان) به شهر دوم (سیرجان) در طول این چهار دوره به ترتیب ۳.۵ برابر، ۲.۸ برابر، ۲ برابر و ۳ برابر بوده است. اگرچه در یک بازه زمانی یعنی ۵۵ تا ۷۵ روند نزولی داشته اما در سال ۸۵ بادیگر روند صعودی را نشان می‌دهد.

۴- تحلیل شبکه شهری در تهران (نمونه موردی)

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته سهم جمعیت تهران به کل جمعیت از سال ۳۵ تا ۱۳۵۵ روند صعودی داشته به عبارتی ۲۵.۲ در سال ۳۵، ۲۷.۸ در سال ۴۵ و ۲۸.۶ در سال ۵۵، که این روند از سال ۱۳۶۵ روند نزولی را آغاز نموده است. می‌توان گفت ۲۲.۵ در سال ۱۳۶۵، ۲۰.۳ در سال ۷۰، ۱۸.۴ در سال ۷۵، ۱۶.۶ در سال ۸۰ و ۱۵.۹ در سال ۱۳۸۵ نشان دهنده روند رو به کاهش سهم تهران از کل جمعیت شهرنشین کشور است. هر چند روند رشد تهران متوقف نشده و همچنان روندی مثبت را طی می‌نماید اما در عین حال می‌توان گفت اسن روند به مراتب کاهش یافته است. در عین می‌توان گفت نسبت جمعیت تهران به دومین شهر از ۵.۲ در سال ۱۳۳۵ (نسبت به تبریز) به ۳.۲ در سال ۱۳۸۵ (نسبت به مشهد) کاهش یافته است. بنابراین می‌توان گفت روند تهران در شبکه شهری ایران روندی تعادلی را طی می‌نماید. این مساله را می‌توان در نمودار شماره ۱۲ مشاهده نمود.



نمودار شماره ۱۲: روند رشد جمعیت شهری تهران در مقایسه با روند رشد جمعیت شهری و نخست شهری برای سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵
منبع: داده‌های مرکز آمار

بخش دوم

۳- روند تهیه طرح‌های منطقه‌ای در ایران

تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران به سال‌های ۱۳۲۷، یعنی شروع اولین برنامه عمرانی، بازمی‌گردد. تفکر و اقدام برنامه‌ریزی منطقه‌ای به تدریج دچار دگرگونی شد تا اینکه در برنامه پنجم عمرانی قبل از انقلاب در شکل طرح جامع سرزمین یا آمایش سرزمین و پس از انقلاب نیز در برنامه اول توسعه تحت عنوان سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت مطرح گردید و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه، به شکل جامع‌تری پی گرفته شد.

نخستین اقدام مهم در ارتباط با برنامه‌ریزی منطقه‌ای مربوط به تهیه برنامه عمران دشت مغان است که در سال ۱۳۳۲ به اجرا گذاشته شد (توفیق، ۱۳۸۵، ص ۳۸۱). این برنامه شامل طرح‌ها و برنامه‌هایی در زمینه کشاورزی، صنایع و اکتشافات، امور بهداشتی و آموزش و پرورش و غیره بود (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی، ۱۳۸۱، ص ۳۱).

و اما در برنامه دوم عمرانی یعنی سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۳۴ برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان ابزار توسعه مناطق عقب افتاده مطرح گردید. اما مناطق تنها مناطق عقب افتاده‌ای که استعداد کافی را داشته باشند. در این راستا خوزستان به عنوان محور عمل این برنامه قرار گرفت. دلایل انتخاب این قطب به عنوان محور و موتور توسعه منطقه وجود آب فراوان بود (وحیدی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۰). حاصل این برنامه تنها در چارچوب تغییراتی اداری و سازمان برنامه و بودجه خلاصه شد و همچنان محور توسعه تهران بود. در ارتباط با برنامه عمرانی اول و دوم می‌توان گفت تمرکزگرایی و بخشی‌گرایی محصول یگانه آنها است. به عبارتی دیگر فقدان زیرساخت مناسب سرمایه را بیش از پیش به پایتخت و چند کلان‌شهر کشور سوق می‌داد و همچنان شکاف توسعه برجای بود.

از برنامه سوم بود که نخستین جرقه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای به مفهوم خاص زده شد و برنامه‌ریزی منطقه‌ای و جاهت قانونی یافت و در ماده ۱۷ قانون برنامه مطرح گردید. این ماده بر اصل تمرکززدایی تاکید اساسی داشته و اختیارات چندی را برای مسئولان محلی در نظر گرفت.

در برنامه چهارم عمرانی کشور در سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۴۶ برای اولین بار اقدامات موثری در راستای تمرکززدایی فعالیت‌های صورت گرفت. در این برنامه فکر تهیه برنامه‌های جامع منطقه‌ای شامل ابعاد گوناگون از قبیل

سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته، عدم تمرکز و مشارکت محلی مطرح گردید (وحیدی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۲ به نقل از سیف‌الدینی و پناهنده خواه، ۱۳۸۹، ص ۸۶). از سال ۱۳۴۹ اقداماتی به شرح زیر ارائه شد:

- تقسیمات ۱۱ گانه منطقه‌ای و منطقه‌ای شدن برنامه‌های بخش‌ها برای هر وزارت خانه.

- انجام مطالعات مناطق ۱۱ گانه تحت عنوان طرح بتل.

- زمینه برای ایجاد دفاتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای فراهم شد.

اما در عمل مطالعات بتل نیز به علت عدم همخوانی با طرح‌های بخشی رایج و مقبول در آن دوره، راه به جایی

نبرد (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰، ص ۲۰۶).

در برنامه پنجم افزایش قیمت نفت به عنوان تحولی اساسی نقش مهمی در تغییر مکانیسم برنامه‌ریزی کشور بازی کرد (حاج یوسفی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۰). در این راستا در سال ۱۳۵۳ سازمان برنامه طی قراردادی با شرکت ستیران اقدام به تهیه طرح آمایش نمود. در این دوره با توجه به الزامات مطرح در ارتباط با توجه به شکاف‌های منطقه‌ای و عدم تعادل‌های فضایی و نیز ضرورت استفاده از برنامه‌ریزی فضایی نخستین بار مرکزی تحت عنوان مرکز آمایش سرزمین در سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۳ شکل گرفت.

نخستین اقدام در قالب فصل سوم گزارش نهایی شورای عالی طرح‌های انقلاب در سال ۱۳۵۹ بود که در آن به توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی (آمایش سرزمین) پرداخته شده است. اما نخستین اقدامات برنامه‌ریزی منطقه‌ای مربوط به دو سال نخست دهه ۱۳۶۰ است که توسط کارشناسان برنامه و بودجه برای بررسی امکانات توسعه حوزه آبخیز غرب هامون جازموریان تهیه شد (توفیق، ۱۳۸۵، ص ۴۰۱).

در سال ۱۳۶۱ اندیشه آمایش سرزمین مجدداً مطرح و در قالب طرح پایه آمایش سرزمین در سال ۱۳۶۲ مطرح گردید. که در این راستا دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای از سال ۱۳۶۲ مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی را شروع و در سال ۱۳۶۴ به تدوین چارچوب نظری توسعه استان‌ها و مقدمات تهیه طرح‌های آمایش استانی پرداخت (صرافی، ۱۳۷۷، ص ۸۴). طرح‌های جامع استانی نیز پس از چندی از سوی سازمان برنامه و بودجه برای همه استان‌ها تهیه شد. برنامه نخست توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸-۷۲ در حالی تصویب گردید که یکی از اهداف ده گانه آن سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت است.

برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴) با محوریت عدالت اجتماعی به مساله تقسیم بهینه منابع و امکانات عمومی برای استان‌ها تهیه گردید. در برنامه سوم یکی از جامع‌ترین برنامه‌ها از دیدگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که در آن فرایند تمرکزگرایی در ابعاد مختلف مطرح می‌گردد.

۴- تحلیل فرایند نخست شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران

توجه و اعتقاد به سیستم و نظریه سیستمی این انگاره را بع ارمغان می‌آورد که هر حرکتی در درون یک سیستم زاینده و متولد شده از حرکت و یا حرکتی در همان سیستم و یا خارج از سیستم است. تحلیل علل و عوامل رمند نخست شهری و شکل‌گیری عدم تعادل‌های فضایی در کشور ایران محصول تمرکزگرایی است که با شروع مدرنیسم رضاخانی و حرکات مبتنی بر قطب‌رشدی پهلوی دوم است. به عبارتی دیگر با کمی تأمل در فرایند تحولات نخست شهری در ایران (براساس آنچه در این مقاله ارائه شده) دهه ۱۳۵۰ اوج تمرکزگرایی در نظام شهری و

مهاجرت‌های روستاوشهرپایتختی^۲ است. که روند تاریخی برنامه‌ریزی منطقه‌ای و رویکردهای آمایشی در کشور نیز تا این زمان حرکتی تمرکزگرا داشته‌اند. لذا جمعیت به عنوان جذب شده آهن ربای تمرکزگرای برنامه‌ریزی است. در واقع برنامه‌ریزی در ایران قبل انقلاب محصولی جز تهران و کویر ایران^۳ را برجای نگذاشت.

آنچه از نظر آماری در ارتباط با تحولات جمعیتی و نخست شهری با روند برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران قابل ذکر است این است که رابطه این دو (نخست شهری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای) از نوع هم‌بستگی معکوس است. که با گرایش روبه پایین برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نخست شهری رو با افزایش است.

واقعیت این است که برنامه‌ریزی‌های عمرانی کشور در سال‌های قبل از انقلاب موفق به ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای نشد و حتی نابرابری‌های فضایی و قطبی شدن را دامن زد. می‌توان گفت چه بسا هیچ‌گاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای وجود نداشته است (صرافی، ۱۳۷۷، ص ۷۹). گواه این مدعا مطالعات بانک جهانی در سال ۱۳۵۵ می‌باشد که در میان ۱۷ کشور منتخب از شمال و جنوب، برزیل و ایران دارای بیشترین اختلافات منطقه‌ای بر مبنای معیار سرانه ناخاص منطقه داشته‌اند. چنان‌که این تضاد منطقه‌ای به خودی خود می‌تواند پاسخ‌گویی مناسب به علل مهاجرت به پایتخت و تبدیل تهران به بزرگ‌ترین شهر کشور باشد. در عین حال می‌توان اختلاف درآمدی بین شهر و روستا را نیز مطرح نمود که از ۵/۵ برابر در سال ۱۳۴۸ به ۸ برابر در سال ۱۳۵۰ رسیده (همان) و این مساله موتور محرک برای تبدیل روستا به ایستگاه حرکت مهاجرین به شهرهای بزرگ و پایتخت گردد.

در سال‌های پس از انقلاب طرح اصل ۴۸ قانون اساسی^۴ اقدامی مهم در راستای پراکنش سرمایه و به موازات آن پراکنش جمعیت و کاهش و حتی حذف نخست شهری است. به باور کارشناسان اقدامات پس از انقلاب (با نگاهی به تجربه قبل از انقلاب) با وجود این‌که نتوانسته به اهداف تعیین شده در افق طرح خود دست‌یابد اما در عین حال این سیاست‌های مطرح شده که با توجه به فضای ملی مطرح گردیدند برتر از دیدگاه بخشی‌بودجه‌ای گذشته بود. چنان‌که با گذشت چندین دهه از انقلاب می‌توان اثرات سرمایه‌گذاری تمرکزگرا (هرچند نه چندان منسجم) را در قالب تعدیل شبکه شهری کشور مشاهده نمود.

می‌توان این چنین مطرح نمود شبکه شهری و تعادل‌های صورت گرفته از سال‌های دهه ۱۳۵۰ به بعد (با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته از نخست شهری و شبکه شهری در این مقاله) گواهی بر تلاش برنامه‌ریزی منطقه‌ای تمرکزگرای است.

در واقع طرح یکی از اصول ده‌گانه برنامه نخست توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با عنوان سازماندهی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت گواهی بر آگاهی مسئولین وقت بر همبستگی شدید

^۲ هدف از مطرح نمودن اصطلاح مهاجرت روستاوشهر-پایتختی این است که اکثریت مهاجرت‌های این دوره نه از روستا به شهر بلکه هم از روستا و هم از شهر به پایتخت (تهران) است. که نه تنها پایتخت سیاسی بلکه پایتخت سرمایه‌گذاری نیز است.

^۳ برگرفته از کتاب گراویه با عنوان پاریس و کویر فرانسه

^۴ ۱- رفع هرگونه تبعیض در استفاده مناطق (استانها و شهرستانها) مختلف کشور از منابع طبیعی و سرمایه‌های ملی.

۲- فراهم کردن زمینه رشد همه مناطق (استانها و شهرستانها) متناسب با استعدادها و با حفظ رقابت سازنده.

۳- توزیع مناسب فعالیت‌های اقتصادی در مناطق (استانها و شهرستانها) مختلف کشور.

۴- استفاده بهینه از قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی در راستای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی کشور.

جمعیت و فعالیت دارد. در واقع موضوعی که در آن راه حل ساماندهی به تمرکزگرایی جمعیت در تهران نهفته است. از طرفی تبصره ۶ و ۵ برنامه اول با تمرکز بر روی سازماندهی فضایی جمعیت و فعالیت به هدایت سرمایه به مناطق محروم و توزیع متعادل آن در بین مناطق محروم گردید.

۳- تحلیل اثرات برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تعادل شبکه شهری تهران

تا قبل از دهه ۱۹۷۰، نگرش به توسعه منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه چون ایران، بر پایه برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و رشد اقتصادی منطقه استوار بود. از جمله این دیدگاه‌ها، مدل‌های رشد هارود^۵ (۱۹۴۸)، دومار^۶ (۱۹۵۷)، روستو^۷ (۱۹۵۶)، رودان روزنشتاین^۸ (۱۹۴۳)، ایکیتووسکی^۹ (۱۹۵۴)، نورکس^{۱۰} (۱۹۵۳)، و هیرشمن^{۱۱} (۱۹۵۸) را می‌توان برشمرد (براهمن، ۱۳۸۱، ص ۶). مطرح‌ترین این دیدگاه‌ها تئوری اقتصادی، رشد نامتعادل هیرشمن بود (روزبهران، ۱۳۷۹، ص ۱۸۵). نتیجه چنین تفکری بروز عدم تعادل و توازن جغرافیایی نیروهای تولید و بروز نخست شهری در پهنه سرزمینی می‌گردد. در این راستا بر اساس نظر فریدمن نوعی انباشتگی شهری و تمرکز منطقه‌ای به صورت مرکز پیرامون شکل می‌گیرد که روابط بین مرکز و پیرامون به صورت استعماری است (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵، ص ۶۴). به طوری که پیرامون در فرایند توسعه در حاشیه باقی می‌ماند (عظیمی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۳).

مساله‌ای که مطرح گردید در واقع نمود عینی آن در رابطه تهران به عنوان مرکز تحولات با پیرامون (یعنی تمام شهرها و نواحی دیگر)، می‌توان مشاهده کرد. بنیان‌های نظری مطرح شده تا دهه ۱۳۵۵ جریان سرمایه و نیروی کار را به سوی تهران نشان می‌دهد. با توجه به این عدم تعادل فضایی توسعه می‌توان برنامه‌ریزی منطقه‌ای (تلاش برای رفع نابرابری‌های منطقه‌ای) را به عنوان اهرم تعادل مطرح نمود. حال بر اساس نظریه کار جانسون^{۱۲} (۱۹۷۰) و فائل^{۱۳} (۱۹۷۶) در ارتباط با نگرش سیستمی و توسعه یکپارچه منطقه‌ای (فنی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)، این سوال مطرح است که در ارتباط با تمرکززدایی تهران به عنوان نخست شهر ایران در چارچوب برنامه‌ریزی منطقه‌ای تا به حال چه اقداماتی انجام شده است.

به طور کلی در هر اقتصاد دولتی اقدامات و تصمیمات دولت نقش اساسی را در تحولات شهر و روستا دارد. چنان‌که در نظام شهری ایران تصمیمات دولت به تمرکز منجر به گسیختگی شبکه شهری در ایران شده است. چنان‌که در هر منطقه فاصله بین شهر اول و دوم بسیار مشهود می‌باشد. رفع این مشکل جز با سیاست برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تزریق متعادل سرمایه و امکانات در شهرهای میانه و متوسط هر منطقه امکان‌پذیر نمی‌باشد (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸).

⁵ Roy Harrod

⁶ Domar

⁷ W. Rostow

⁸ Rosenstin Rodan

⁹ Eskitoveski

¹⁰ Nurkse

¹¹ Hirschman

¹² Janeston

¹³ Fauel

تلاش‌های صورت گرفته در سال‌های پس از انقلاب در برنامه‌ریزی منطقه‌ای با هدف تعادل منطقه‌ای که منجر به کاهش ماکروسفالی و نیز بازگشت تعادل در شبکه شهری بود گواه روشنی بر هم‌بستگی فعالیت و جمعیت است و بیش از پیش این نظریه را که جمعیت تابعی از فعالیت است را قوت می‌بخشد. در ارتباط با تهران و اثرات برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تعادل و کاهش بزرگ سری این کلان‌شهر بزرگ ایران می‌توان گفت از ۱۳۴۰ اقدامات گوناگونی در جهت تمرکززدایی سیاسی، اداری، صنعتی، اقتصادی و مالی صورت گرفت که می‌توان مواردی را به قرار زیر مطرح نمود:

- معافیت مالیات بر درآمد برای صنایعی که در سایر استان استقرار یابند،
 - ارایه وام بانکی آسان برای سرمایه‌گذاری.
 - تخصیص منابع مالی و تسهیل سرمایه‌گذاری به منظور ایجاد فرصت‌های اشتغال در مناطقی که در دهه ۱۳۴۰ مهاجر فرست بوده‌اند.
 - تشویق و حمایت دولت از محصولات و صنایع منطقه‌ای.
 - اولویت دادن به ایجاد مراکز ارائه خدمات رفاهی در قطب‌های توسعه منطقه‌ای.
 - احداث صنایع دولتی در شهرهای منطقه‌ای (زبردست، ۱۳۷۱، ص ۵۷).
 - تاسیس دفاتر برنامه و بودجه در مراکز استان‌ها در سال ۱۳۵۲ و تبدیل آن به سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۹ (اکبری و همکاران، ۱۳۸۸).
 - تبدیل روستاها به شهر.
 - تشکیل شورای آمایش سرزمین.
 - تشکیل شوراهای هماهنگی توسعه منطقه‌ای.
- با توجه به تمام مواردی را که می‌توان در ارتباط با چالش‌های توسعه منطقه‌ای در ایران برشمرد (نگاه کنید به سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۹)، اما در عین حال با توجه به هماهنگی روند نزولی تمرکزگرایی در کلان‌شهر تهران با آغاز توجهات به برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌توان گفت برنامه‌ریزی منطقه‌ای توانسته در سطح ملی از نقش تهران بکاهد.

نتیجه‌گیری

بررسی ارقام جمعیتی مربوط به سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ نشان می‌دهد که در این دهه جمعیت واقعی مناطق شهری بالاتر از میزان تخمینی آن حدود (۲/۷) میلیون نفر و جمعیت واقعی روستا ۵ میلیون نفر کمتر شده است. این مطلب نشان دهنده مهاجرت سنگین و مسئله برانگیز روستاییان به مناطق شهری کشور است بی‌شک سیل عظیم چنین مهاجرت‌هایی که در شهرهای کوچک و حتی متوسط و گاه بزرگ به سوی پایتخت متاثر از جریان سرمایه به مرکز تحت تأثیر اندیشه‌های برنامه‌ریزی قطب رشد است که در آن تهران در فرایند انباشت برای انباشت به جذب سرمایه و جمعیت می‌پردازد. فقدان برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سال‌های قبل از انقلاب شکاف فضایی فعالیت و به موازات آن توزیع نامتعادل جمعیت را در پی داشته آن‌چنان که نخست شهری دهه ۱۳۵۰ گواه روشنی بر حرکت جمعیت و تمرکز آن به موازات تمرکز سرمایه است.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته از شبکه شهری در دو سطح کلان ملی و خرد منطقه‌ای می‌توان به این واقعیت مهم اشاره نمود که روند تعادلی در شبکه شهری ملی و منطقه‌ای روندی یکسان در عین حال معکوس را طی می‌نمایند. در عین حال که روند تمرکزی تهران در سطح ملی کاهش یافته و شاهد ظهور شهرهایی در کل شبکه شهری هستیم که نوید تعادل در شبکه شهری را در سال‌های آتی می‌دهد، اما در عین در سطح منطقه‌ای مطابق با منطق شهرنشینی دیفرانسیل شاهد تمرکزگرایی در شهرهای اصلی (مراکز استان) هستیم. بنابراین از یک سو سطح ملی رو به تمرکززدایی و سطح منطقه‌ای رو به تمرکزگرایی دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌های تعادلی در دو سطح ملی و منطقه‌ای می‌بایست طی شده تا بتوان به روند متعادل شبکه شهری در دو سطح کلان و خرد دست یافت. در واقع لزوماً برنامه‌ریزی منطقه‌ای با رویکرد ملی زمینه تعادل در شبکه شهری در سطح منطقه را به همراه ندارد.

بررسی برنامه‌ریزی توسعه در دوران سی ساله قبل از انقلاب نشان می‌دهد که به رغم دستیابی به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش چشم‌گیر درآمد سرانه، رژیم گذشته در پیشبرد اهداف توسعه با مشکلاتی مواجه شد. ریشه این مشکلات عمدتاً ناشی از تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتابهای اجتماعی و منطقه‌ای آن بود که به نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای به شدت دامن زد و مانع از برخورداری متعادل همه مناطق از مواهب توسعه گردید و به موازات آن مهاجرت گسترده و ماکرسفالی را شکل داد.

این نوع نگرش به برنامه‌ریزی و توسعه را می‌توان مطابق با دیدگاههای نظریه‌پردازان توسعه در دهه ۵۰ و ۶۰ دانست که توسعه را به مفهوم رشد تلقی کرده و تنها رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه را عین توسعه دانسته و تعادل منطقه‌ای را رها کرده‌اند. اما در عین حال توجه به برنامه‌ریزی متعادل منطقه‌ای سال‌های پس از انقلاب در قالب تقویت شهرهای متوسط و تبدیل روستاها به شهرها به منظور ارتقاء استانداردهای زیست منجر به کاهش روند نخست شهری ملی گردید یعنی نقش تهران به عنوان انباشت‌گر سرمایه و نیروی کار تا حدودی پس از دهه ۵۰ و یخ خصوصاً ۶۰ فروکش کرد. اما در عین در سطح منطقه‌ای نخست شهری وجود داشته و می‌توان گفت مکانیزم تقویت شهرهای متوسط و تبدیل روستاها به شهر از روند مهاجرتی نیروی کار و در عین حال سرمایه به مراکز استان (منطقه) جلوگیری می‌نماید.

منابع

- احمدی، حسن و چهاردولی، حبیب اله (۱۳۷۶). *سلسله‌مراتب شهری*. تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی وزارت، کشور.
- اعتماد گیتی، حسامیان فرخ، حائری (۱۳۸۳). *شهرنشینی در ایران*. تهران: انتشارات آگاه، چاپ چهارم.
- اعتماد، گیتی (۱۳۷۳). *تغییرات شبکه شهری ایران در دهه اخیر*، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۲۶ و ۲۵.
- اکبری، نعمت‌اله، عسگری، علی و فرهمند، شکوفه (۱۳۸۵). *تحلیل توزیع اندازه شهرها در سیستم شهری ایران*. فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، تهران، شماره چهارم.
- اکبری، نعمت‌اله، فرهمند، شکوفه و نجارزادگان، مانده (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر پرداخت یارانه بنزین بر پدیده نخست شهری در ایران*، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره سوم، زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۰ تا ۲۰.

- امیدوار، کمال، بیرانوندزاده، مریم و رستم گورانی، ابراهیم(۱۳۸۸). تحلیل شبکه شهری و توزیع فضایی جمعیت در کانون‌های شهری استان هرمزگان، فصل‌نامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، سال اول شماره ۲، صص ۱۰۹ تا ۱۳۲.
- ایزدی، کاظم(۱۳۷۲). مطالعه شبکه شهرهای مهم کشور، طرح کالبدی ملی ایران، نشریه شماره ۱۱، وزارت مسکن و شهرسازی.
- براهمن، جان(۱۳۸۱). توسعه مردم‌گرا. ترجمه عبدالرضارکن الدین افتخاری و مرتضی توکلی، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- بهروز فاطمه(۱۳۷۱). تحلیل نظری تجربی برای متعادل‌سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران: مجله پژوهش‌های جغرافیایی مؤسسه جغرافیایی دانشگاه تهران، شماره ۲۸، فروردین.
- پورمحمدی، محمدرضا و زالی، نادر(۱۳۸۶). شبیه‌سازی شبکه شهری مبتنی بر مدل‌های آنتروپی و کشش‌پذیری، طرح تحقیقاتی، دانشگاه تبریز.
- توفیق فیروز(۱۳۷۲). گسترش شتابان شهرنشینی در ایران، مجله آبادی، سال سوم، شماره نهم.
- _____ (۱۳۷۶). شبکه شهرها و خدمات، جلد اول، مبانی نظری و ادبیات موجود، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- _____ (۱۳۸۵). گزارش تلفیق طرح کالبدی ایران، جلد سوم وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- حاج یوسفی(۱۳۷۸). برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، مرکز مطالعات اقتصاد ایران، تهران.
- رهنمایی، محمدتقی، فرهودی، رحمت‌اله، ضیاء توانا، محمدحسن و خمر، غلامرضا(۱۳۹۰). تعیین وضعیت نخست شهری در سطوح استانی (سیستان و بلوچستان) و ناحیه‌ای(زابل)، مجله جغرافیا، سال نهم شماره ۲۸.
- روزیان، محمود(۱۳۷۹). مبانی توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات تابان.
- زبردست اسفندیار(۱۳۸۶). بررسی تحولات نخست شهری در ایران، مجله هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۲۹، بهار.
- زنجانی حبیب‌اله(۱۳۶۹). مجموع مباحث و روش‌های شهرسازی، جمعیت، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- زیاری، کرامت‌اله و موسوی، میرنجف(۱۳۸۴). بررسی سلسله مراتب شهری در استان آذربایجان غربی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان(علوم انسانی)، جلد هجدهم، شماره ۱، صص ۱۶۳ تا ۱۷۸.
- سیف‌الدینی، ف و پناهنده خواه، م(۱۳۸۹). چالش‌ها و موانع توسعه منطقه‌ای در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۳، صص ۸۳-۹۸.
- صدر موسوی، میرستار و طالب‌زاده، میرحیدر(۱۳۸۸). بررسی و تحلیل تغییرات در سلسله مراتب شهری استاد آذربایجان غربی در یک دوره ۵۰ ساله(۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵). مجله فضای جغرافیایی، سال نهم شماره ۲۷، صص ۱۳۳ تا ۱۵۹.
- صرافی، مظفر(۱۳۷۷). بنیان‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ضرابی، اصغر و موسوی، میرنجف(۱۳۸۸). بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای(مورد استان یزد)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره پیاپی ۳۴، شماره ۲، تابستان ۳۸۸.
- ضرابی، اصغر و درکی، افشین(۱۳۸۹). تحلیل توزیع جمعیت در نظام سلسله مراتبی شبکه شهری استان کرمان طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵، فصل‌نامه جمعیت شماره ۷۱ و ۷۲.

- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). پوشش شهرنشینی و مبانی نظام شهری. نشر نیکا.
- _____ (۱۳۸۲). روش شناسی شبکه سکونتگاه‌ها. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- فنی، زهره (۱۳۸۲). شهرهای کوچک رویکردی در توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- کامروا سیدمحمدعلی (۱۳۷۹). روند تغییر مکان جمعیت شهری در ایران، فصل‌نامه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۸، زمستان.
- گیلبرت، آلن و ژوزف گالگر (۱۳۷۵). شهرها فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم. ترجمه پرویز کریمی ناصری، تهران: انتشارات شهرداری.
- لیوارجانی، پروین دخت و شیخ اعظمی، علی (۱۳۸۸). بررسی پدیده نخست شهری در ایران در سال ۱۳۸۵: سیاست و سرزمین، مجله فضای جغرافیایی، سال نهم شماره ۲۷.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۴۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی (۱۳۸۱). متن مقدماتی، مجموعه مقالات برنامه‌ریزی کالبدی، اصفهان.
- نظریان، علی اصغر (۱۳۷۳). نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۲.
- وحیدی، م (۱۳۶۹). فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران و جایگاه قانونی آن، همایش برنامه‌ریزی کالبدی، اصفهان.
- یزدانی، محمد حسن، نظریان، اصغر و پورا احمد، احمد (۱۳۸۶). بررسی شهرنشینی دیفرانسیل در ایران، مجله برنامه‌ریزی آمایش فضا، دوره یازدهم، شماره اول (پیاپی ۵۹). صص ۱۸۱ تا ۲۰۵.
- Geyer, H.S (1996); Expanding the Theoretical Foundation of the Concept of Differential Urbanization. Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie 87, . pp.44- 59.